

تدوین شاخص های تربیتی شهروندان آزاد جهان با الهام از آراء فیلسوفان تعلیم و تربیت معاصر

رویا بویری^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۵/۱۲

عباس قلتاش^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۸/۱۱

سید احمد هاشمی^۳علی اصغر ماشینچی^۴

چکیده

با توجه به افزایش تنوع فرهنگی در سراسر جهان، در این قرن شهروندان نیاز به دانش، نگرش و مهارت‌هایی برای عملکرد در جوامع فرهنگی خودشان و هم‌چنین فراتر از مرزهای فرهنگی خود دارند. هدف از پژوهش حاضر، تدوین شاخص‌های آرمان تربیتی شهروندان آزاد جهان مبتنی بر آراء فیلسوفان تعلیم و تربیت معاصر است. بدین منظور از روش تحقیق توصیفی تحلیلی و رویکرد تبیینی تأییدی استفاده شد و داده‌ها از دفتر اندیشه های فلاسفه معاصر مرتبط با حوزه شهروندی جهانی جمع‌آوری گردید. مقولات مختلف پیرامون موضوع به دست آمد که در قالب شاخص های اصلی تربیتی شهروندان آزاد جهان با الهام از آراء فیلسوفان تعلیم و تربیت معاصر و نیز شاخص‌های کارآمد تربیت شهروند جهانی در بستر نظام آموزش و پرورش در قالب شاخص های حیطه شناختی، حیطه مهارتی و حیطه نگرشی دسته بندی شدند. بر مبنای یافته‌های حاصل از تجزیه و تحلیل اطلاعات نظری، الگوی مورد نیاز طراحی شد و تجزیه و تحلیل آن در قالب تحلیل توصیفی و تحلیل عاملی تأییدی در تطبیق با مدل مفهومی ارائه گردید و یافته های کیفی تحقیق حاکی است شهروندان آزاد جهانی در سایه تعلیم و تربیت حرفه ای می توانند نیروی انسانی آگاه، متعهد و ماهر برای جامعه دانش و مدیریت دانش در پاسخگویی به هزاره سوم تربیت کنند و در خاتمه توصیه های کاربردی جهت اجرای الگوی مطلوب ارایه گردیده است.

کلید واژه ها: الگوی شهروند جهانی؛ نظریه جهانی شدن، نظام تعلیم و تربیت، فیلسوفان معاصر

۱. دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران.

۲. دانشیار گروه علوم تربیتی، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران (نویسنده مسئول)

۳. استاد تمام برنامه ریزی درسی، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران.

۴. استادیار گروه علوم تربیتی، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران.

امروزه تحولات مختلف سیاسی، اجتماعی، حقوقی و مدنی جامعه، در گرو استفاده روزافزون شهروندان از وسایل ارتباط جمعی است و ممالک مختلف دنیا برای اداره بهتر جامعه انسانی از ابزارهای شهروند سالار و مولفه های گوناگون فرهنگی مدنی، بیشترین بهره را می‌برند و اگر امروزه عصر ارتباط شفاهی و مکانی جای خود را به عصر انقلاب اطلاعاتی سریع مجازی و ارتباطات شبکه‌ای در سطح جهانی داده است، این نکته مرهون آموزه‌های تکنولوژیک شهروندان در دنیای متمدن بر پایه رسانه-های رایانه‌ای است. امروزه مفهوم تعامل بین‌المللی و ارتباطات بدون مرز جهانی، معادلات سیاسی و اقتصادی را کاملاً دگرگون کرده است و سازمان‌های مردم‌نهاد و سمن‌های داخلی و خارجی برای پاسداشت شهروند آزاد جهانی همت خود را به کار گرفته‌اند. «شهروندی مفهومی چندوجهی و در واقع، یک شأن سنگین آدمی است. شأنی که بواسطه عضویت در یک دولت-ملت و یا یک قلمرو سرزمینی مشخص به فرد داده می‌شود و فردی که این شأن به او اعطا شده است، از حقوق و مزایا و به تبع آن تعهدات و وظایفی متناسب با آن برخوردار می‌گردد و بالطبع، تربیت شهروند مطلوب، چندان ساده به نظر نمی‌رسد.» (شیانی و داوودوند، ۱۳۹۰: ۳۹).

نظام آموزشی هر کشوری متأثر از نظام ارزش‌های حاکم بر جامعه است و بالتبع تربیت شهروندی نیز باید در راستای فرهنگ و هویت دینی و ملی جامعه، انجام گیرد. از چنین مسیری است که بومی کردن آموزش زندگی شهروندی محلی و ملی میسر می‌شود. مقدمه‌ی آموزش شهروندی جهانی را نیز فراهم می‌آورد. «در رویکرد مدارس دمکراتیک، مدرسه نقش اصلی در آموزش شهروندی دارد و آموزش مستقیم شهروندی و مدنی می‌تواند به افزایش دانش شهروندی دانش‌آموزان کمک فراوانی کند. اما لزوماً موجب بهسازی نگرش و رفتار شهروندی نمی‌شود.» (پریور^۱، ۲۰۰۱).

«مقوله شهروندی از جمله مباحث بسیار مهمی است که سابقه آن به دولت شهرهای یونان برمی‌گردد.» (قلتاش، ۱۳۹۱) به نقل از میر و شمشیری، ۱۳۹۴؛ آبویتز و هارنیش^۲، ۲۰۰۶؛ به نقل از سیم^۳ و همکاران، ۲۰۱۷) شهروند نه تنها به معنای سکونت در شهر که به معنای مجموعه‌ای از آگاهی‌های حقوقی، فردی و اجتماعی است. عناصری نظیر هویت ملی، تعلقات اجتماعی، رسوم معاشرت، بافت فرهنگی، مشارکت سیاسی و آزادیهای مدنی از عناصر مهم نهفته در مفهوم شهروندی است و با توجه به انتظاری که در نظام تعلیم و تربیت در رابطه با پرورش متوازن قابلیت‌ها و توانایی‌های انسان می‌رود، به نظر می‌رسد تربیت اجتماعی و به تبع آن تربیت و تقویت شهروندی از اهمیت اساسی برخوردار است، ولی متأسفانه در سالهای اخیر کاهش حس ملیت‌گرایی و یا واپس‌زدگی جوانان کشورمان نسبت به عناصر فرهنگی نشان از قصور آموزش و پرورش در تربیت شهروند مطلوب دارد.

نظام آموزشی هر کشوری متأثر از نظام ارزش‌های حاکم بر جامعه است و بالتبع تربیت شهروندی نیز باید در راستای فرهنگ و هویت دینی و ملی جامعه، انجام گیرد. از چنین مسیری است که بومی کردن آموزش زندگی شهروندی محلی و ملی میسر می‌شود.

۱ - Prairie

۲-Abowitz & Harnish

۳-Sim

شهروندی از منظر فرهنگی یک ظرفیت وجودی و مجموعه‌ای از قابلیت‌ها برای زیستن در جهان معاصر است که از درون موقعیت‌های زندگی بدست می‌آید. یک هویت سیاسی است که از زیستن انسان در جهان شهری امروز بر می‌خیزد. مسئله شهروندی از جهت نسبت با دولت، به نوعی هویت فرد انسانی است. «مفهوم مدرن شهروندی همراه با مفهوم فردیت و حقوق فردی در اروپا پدید آمد. اساساً کسی شهروند شناخته می‌شود که تنها فرمانگذار دولت نباشد، بلکه از حقوق فطری و طبیعی نیز برخوردار باشد و دولت ضمن رعایت آن حقوق باشد. نظریه‌هایی که منشأ دولت را حق طبیعی افراد می‌دانند، علت وجودی دولت را حمایت از حقوق طبیعی شهروندانش دانسته‌اند» (بشیریه، ۱۳۸۸: ۸۵). ایمانوئل کانت (۱۷۲۴) فیلسوف اخلاق‌گرای ایده‌آلیست آلمانی قرن هجدهم، در کتاب درسهای فلسفه اخلاق معتقد است: «شرط صوری» اینکه انسان به جایگاهی که طبیعت برای او در نظر گرفته است، برسد و «قابلیت تعیین غایات را در خود به وجود آورد»، این است که از وضعیت طبیعی خارج شود و به اجتماع مدنی پا گذارد، زیرا عالی‌ترین غایت طبیعت یعنی توسعه همه ظرفیت‌های طبیعی تنها در اجتماع می‌تواند برای نوع بشر تحقق یابد. بر این اساس، «بالاترین وظیفه‌ای که طبیعت برای نوع بشر تعیین کرده، باید ایجاد یک قانون مدنی کاملاً عادلانه و به عبارت دیگر، اصالت قوانین اجتماعی باشد که در آن آزادی تحت قوانین مدنی تا آنجا که ممکن است با قدرتی شهروند محور و به نحوی مردم پسند جمع شود. این همان «اجتماع مدنی» است» (کانت، ۱۹۹۷، به نقل از حداد عادل، ۱۳۸۶: ۴۱۰)

«به زعم تای^۲ (۱۹۹۱)، دلیل افزایش وابستگی انسانها به یکدیگر در دنیای کنونی، تربیت شهروند جهانی است که مبدل به یک دلمشغولی تمام عیار در آموزش و پرورش کشورها شده است.» (قائدی، ۱۳۸۹) رویکرد موجود تربیت شهروندی در ایران تلفیقی از رویکرد های آموزشی سیاسی، مدنی و انتقال فرهنگی است که به دنبال تربیت شهروندانی با سجایای اخلاقی، دینی و ارزش‌گراست که به لحاظ اجتماعی و سیاسی افرادی موثر و مفید باشند. «با ظهور دهکده جهانی حقوق بشری چهار نوع گرایش شهروندی فعال، منفعل، حقوق محور و تکالیف محور در جهان وجود دارند که گرایش منفعل و فعال با ویژگی غالب تکلیف‌محوری، برترین چهره را از وضعیت توسعه شهروندی نشان می‌دهد.» (قادرزاده و شبان، ۱۳۹۶). هانا آرنست (۱۹۱۸) اصول تربیت شهروند آینده محور را چنین برمی‌شمارد:

۱. آزادی خودانگیختگی ۲- نمود انکشاف ذهنی ۳- عقلانیت بسط اندیشه ۴- تکرر ناهمسانی طبیعی ۵- فضیلت مندی
تصدیق و دگرپذیری، ۶- قدرت تمرکززدایی، ۷- گفتگو تعامل پایدار، ۸- فرآیند گونگی فرآیندمداری. بدین سان، «وی تقابلات فرد و جمع را نیز به حداقل رسانیده است و ثالثاً، همپوش واقع شدن عناصر حق -وظیفه - اخلاق و منوط شدن قوام و دوام آنها به یکدیگر زمینه را برای مبرا شدن از کاستیهای موجود در دیگر رویکردهای شهروندی مهیا نموده است.» (فولادوند، ۱۳۹۰). «حوزه عمومی، و حوزه سیاست به طور عام، سه ویژگی دارد که برای درک آرنست از شهروندی محوری است. این‌ها عبارتند از کیفیت مصنوعی (artificial) یا برساختی (constructed)، کیفیت فضایی (spatial)، و تمایز میان علایق عمومی و خصوصی. در مواجهه با ویژگی اول، آرنست همواره بر مصنوعیت حیات عمومی، و فعالیت‌های سیاسی تأکید می‌کند»

۱ - Kant

۲ - K.Tye

کرد. وی این مصنوعیت را به مثابه مسئله‌ای قابل ستایش می‌دانست و نه تأسف برانگیز. سیاست نزد وی، قادر ساختن افراد به فرا رفتن از ضروریات زندگی و شکل دادن به جهانی برای شکوفا شدن فعالیت و گفتار سیاسی آزاد، بود. (رجبی، ۱۳۹۵). نل نادینگز (۱۹۲۹) فیلسوف تعلیم و تربیت آمریکایی و از مشهورترین نظریه پردازان معاصر در تربیت اخلاقی در غرب در کتاب جدید خود، آموزش و دموکراسی در قرن ۲۱، نسخه‌ای از آموزش را به مثابه عملی چندمنظوره که در آن مدارس مسئول هریک از ۳ ساحت زندگی: ساحت شخصی (خانه و خانواده)، ساحت شغلی و ساحت شهروندی (بومی و جهانی) هستند، معرفی می‌کند و دموکراسی را به مثابه مشارکت از طریق اندیشه‌ی حساب‌شده و ارتباط (گفت‌وشنود) مورد توجه قرار می‌دهد. از منظر نادینگز، ما باید برخی از تفکرات قرن بیستمی نظیر رقابت، بروکراسی، تخصص‌گرایی بیش از حد و استانداردسازی را با عاداتی مانند همکاری، اتصال و تفکر خلاق و انتقادی جایگزین سازیم. (Noddings, ۲۰۰۰)

با رشد و گسترش سیستم فکری پراگماتیسم در غرب مخصوصاً در میدان آموزش و پرورش، به دست فیلسوفانی همچون پیرس، جیمز و جان دیویی رویکردهای عقلایی به تربیت و شهروندی قوت گرفت. دیویی بزرگترین نماینده تفکر عصر نوین غرب به شمار می‌رود و از این رو دیدگاه‌های او مبنای حاکمیت لیبرال-دموکراسی تلقی می‌گردد. تحول‌گرایی در اندیشه دیویی، با الهام از نظریه تحول طبیعی داروین، او را به ارائه تفسیر نادرست از جهان و انسان سوق داد. روش فلسفی مورد علاقه دیویی ریشه در مکتب کانت و پراگماتیسم دارد. «از منظر دیوئی، آموزش و پرورش فرایندی است اجتماعی که فرد را با جامعه و شعور اجتماعی مرتبط می‌کند. کار اصلی فلسفه حل مسایل فیلسوفان نیست، بلکه به حل مسائل انسانها می‌پردازد. انسان ذاتاً و ضرورتاً موجودی اجتماعی است و در این امر حق انتخابی ندارد. بنابراین نهادهای اجتماعی باید به گونه‌ای سامان یابند که بهترین شیوه را برای رشد انسان فراهم سازند. اگر این نهادها در موقعیتهای بغرنج نتوانند راه رشد انسان را باز کنند، باید بازسازی و تعویض شوند و این وظیفه حاکمان است.» (زیباکلام، ۱۳۸۷). وست هایمر^۲ یک چارچوب مفهومی ارائه داده‌اند که شامل سه روش اصلی برای آموزش شهروندی است. آنها استدلال می‌کنند که مفاهیم رقابتی آموزش شهروندی بر مبنای منافع سیاسی هستند و هر مفهوم دارای پیامدهای آموزشی مختلف برای دموکراسی است. براساس بررسی برنامه‌های آموزش شهروندی در ایالات متحده، وست هایمر سه مفهوم برای شهروند خوب تعریف کرده‌اند: شخصاً مسوول، مشارکتی و عدالت محور. با توجه به تحولاتی که جامعه و دانشگاه با آن روبرو است، باید آموزه‌های شهروندی را پدیده‌ای پویا و دگرگون متناسب با شرایط جهانی دانست و دائماً به بازتولید این مؤلفه اهتمام داشت. (اخوان زنجانی، ۱۳۹۱) بایسته است سرفصل‌های فرهنگ شهروندی چون مساوات، آزادی، مردم سالاری، مسؤولیت‌پذیری مدنی، مشارکت و... مورد تعلیم قرار گیرد. به این ترتیب مدل‌های مفهومی مدرن شهروندی با ناسیونالیسم جهانی گره خورده‌اند و کسانی چون «دیوید میلر^۳» بر این عقیده‌اند که «شهروندی بدون ملیت ایده پوچ است.» (فالکس^۴، ۲۰۰۱)

۱ - Nel Noddings

۲ - West Hammer

۳ - David Miller

۴ - Faulks

تنظیم و ترسیم الگوی فلسفی آرمان تربیتی شهروندان آزاد جهان مبتنی بر آراء فیلسوفان تعلیم و تربیت معاصر، مساله ای است که در این پژوهش بدان پرداخته می شود. اینکه مولفه ها، بسترها و رویکردهای انتقادی چگونه می تواند به تبیین و ترویج ایده ی مورد نظر بیانجامد، دغدغه مهمی است که تیزبینانه باید محل توجه قرار گیرد. در ادامه به منظور تبیین بیشتر مفاهیم نظری و توسعه چارچوب مفهومی ارائه شده، به چند مورد از پژوهش های تجربی صورت گرفته اشاره می شود.

رشیدی (۱۳۹۶) وی در مقاله ای با عنوان «مفهوم پردازی شهروند جهانی از منظر صاحب نظران آموزش عالی» بر این نکته تاکید ورزیده است: شکلگیری مفهوم شهروند جهانی از طریق آموزش عالی با توجه به استراتژیهای موجود در آموزش عالی ایران رخ نمی دهد. مهم ترین راهبردهایی که مانع وقوع این امر می شود، تمرکزگرایی، آموزش ناکارآمد، بازنگری نشدن دروس مبتنی بر بازنگری رویکردهاست. راهبردهای موجود پیامدهای اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و ... دارد که از مهم ترین آنها می توان به عدم ترویج تفکر سیستماتیک پلورالیسم فرهنگی، نبود آینده پژوهی و آموزش پایدار و نبود بازار کار جهانی اشاره کرد.

اسدی، احمدی (۱۳۹۶) ایشان در اثر خود با عنوان «مفهوم، مولفه ها و راهکارهای تربیت شهروندی متناسب با عصر جهانی شدن» بر این اعتقاد هستند که تغییرات پدید آمده در ابعاد گوناگون، بر تربیت شهروندی تاثیر گذاشته و شهروندان متناسب با خود را می طلبد و غفلت از این موضوع، باعث عقب افتادگی و ناکارآمدی شهروندان خواهد شد. آن گاه، مولفه های یک شهروند جهانی و روش های تربیت آن و نقش هر کدام از عوامل تاثیرگذار در این راه معرفی شده است. شهروندان در عصر جهانی عموماً در اقدامات مستقیم دخالت دارند و ضمن وابسته بودن به جنبش های جدید اجتماعی، معمولاً کمتر در فعالیت های سیاسی قدیم و جدید در چارچوب احزاب و اتحادیه ها و سندیکاها و ... شرکت می نمایند.

مرادپور، نوری و پایمرد (۱۳۹۵) ایشان در اثر پژوهش خود با عنوان «آموزش شهروندی جهانی، ضرورت عصر جدید» معتقدند: آموزش و تربیت شهروند جهانی خواهان تبدیل شدن جهان به مکانی سرشار از عدالت، برابری، صلح و توسعه ی پایدار، احترام و پاس داشت تنوع و گوناگونی نژادی، مذهبی و ... می باشد. نگاه لیبرالیسم سبب می گردد که در شهروندی صرفاً بر حقوق تأکید گردد نه مسئولیت های شهروند. همین امر سبب شده برخی از متفکران به این نتیجه برسند که لیبرالیسم در آغاز مبارزه برای کسب حقوق شهروندی مناسب بوده است ولی هم اکنون به تهدیدی علیه شهروندی مبدل شده است. در واقع تربیت شهروندان از طریق آموزش رفتارهای شهروندی در قالب پارامترهای اخلاق اجتماعی باعث بهبود عملکرد افراد جامعه خواهد شد.

واترز^۱ (۲۰۱۶) در مقاله ای با عنوان «پرورش شهروندی از گذر جنگ در دوران انسانی» معتقد است: رابطه تاریخی جنگ با ایجاد ملت های سرزمینی به خوبی شناخته شده است، اما نقش مؤثر و عرفی جنگ در ایجاد شهروندی در یک جامعه ی مدرن آنطور که باید، معرفی نشده است. سنگ بنای آموزش بر تربیت و پرورش درست است. از طریق آموزش های شهروندی به کودکان، می توانیم خواسته ها و توانمندی های آنها را رشد و گسترش دهیم، سطح کیفیت زندگی شهروندان را ارتقا دهیم،

۱- Timothy William Waters

مهارت های اجتماعی و فعالیت های گروهی را افزایش دهیم. در دوران جنگ، شهروندان در آرامش یا انقلاب اجتماعی نق ویژه ای دارند و تربیت شهروندان مدرن سازگار با اجتماع انسانی در هر دوره را هرگز نباید دست کم گرفت.

مولر^۱ (۲۰۱۰) در مقاله ای با عنوان «عملکرد شهروندی فرهنگی، مخاطبان و سیاست چند فرهنگی تلویزیون» پیشنهاد می کند که فرهنگ عمومی به عنوان یک منبع مهم برای انجام کارهای شهروندی فرهنگی باشد و به بررسی چگونگی برنامه تلویزیونی درام چند فرهنگی که ممکن است در ساخت ارتباطات و قوت فرهنگ در جوامع چند فرهنگی استفاده شود می پردازد. اساس بحث او مطالعه بزرگ بر روی واکنش های شنیداری است که به طور واضح برای پرورش فهم درون فرهنگی و تحمل نسل طراحی شده بود. مولر بر اساس یافته ها عملکرد شهروندی را به عنوان یک عمل شورشی تعریف می کند که به میانجی گری های بیشتر در حوزه های زندگی نیاز دارد که وسیله سیاست و یا عملکرد های مدنی برای تولید اثر اجتماعی حیاتی است. (Muller, ۲۰۸-۱۹۳:۲۰۱۰).

یابو عبدالرحیم^۲ (۲۰۰۹) ایشان در اثر ارزشمند خود با عنوان « مفهوم حقوق بشر: دیدگاه ملی و بین المللی، سیاست بین الملل» می نویسد: پنج مقوله مختلف حقوق بنیادین بشر را تشکیل می دهد. این مقولات عبارت اند از: ۱- حق حیات ۲- حق آزادی ۳- حق مشارکت سیاسی برابر ۴- حق برخورداری از حمایت قانونی ۵- حق برخورداری از خدمات بنیادین اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگی. تمام اینها اگرچه " حداقلی " است ولی اندیشمندان مختلف معتقدند که دولت ها میتوانند با تامین آزادی بیان و اندیشه، دموکراسی، رفاه اجتماعی میتوان حقوق بشر را در سراسر جهان کامل به یک بستر مناسب برسانند.

روش پژوهش

پژوهش حاضر با هدف تدوین شاخص های آرمان تربیتی شهروندان آزاد جهان با الهام از آراء فیلسوفان تعلیم و تربیت معاصر صورت گرفت. نحوه گردآوری اطلاعات این تحقیق از طریق تهیه فیش از کتب و مجلات معتبر گوناگون و سپس دسته بندی فیش ها و تجزیه و تحلیل اطلاعات و داده ها اساس کار را تشکیل می دهد. اطلاعات به روش کتابخانه ای و با استفاده از منابع الکترونیکی، داده های مشابه کتابخانه ای و پژوهش های جنبی جمع آوری می شود. در توالی گردآوری داده ها ابتدا داده های کیفی و سپس الگوی مطلوب تهیه می گردد. ابزار جمع آوری اطلاعات فیش های تحقیق است که توسط پژوهشگر ساخته می شود. پس از جمع آوری منابع مرتبط با موضوع تحقیق، کدگذاری موضوعی با استفاده از نظام مقوله بندی قیاسی برای طبقه بندی اطلاعات صورت می گیرد. این تحقیق در پارادایم تفسیرگرایی و به شیوه کیفی صورت گرفته است. روش تجزیه و تحلیل پژوهش حاضر به صورت تحلیل مضمون می باشد. «تحلیل قالب مضامین و تحلیل شبکه مضامین نیز از ابزارهایی هستند که معمولاً در تحلیل مضمون به کار می روند. قالب مضامین، فهرستی از مضامین را به صورت سلسله مراتبی نشان می دهد. شبکه مضامین نیز ارتباط میان مضامین را در نگاره هایی شبیه تارنما نشان می دهد». رویکرد ارزیابی نتایج نیز به شیوه تبیینی می باشد. مطالعه تبیینی برای

۱ - Muller

۲- Vijapu, Abdulrahim P

به دست آوردن اطلاعات در مورد ارتباط میان علل و نتایج حاصل از شواهد است. پژوهش تبیینی می‌تواند از طریق پرسشنامه، مباحث گروهی، مصاحبه، نمونه‌گیری تصادفی و غیره انجام گیرد. هدف اولیه فهم یا درک وضعیت و مکانیزم‌های ارتباط میان متغیرهای مستقل و وابسته است. این نوع تحقیق که به آن تحقیق علمی نیز گفته می‌شود، در صدد پیدا کردن روابط علت و معلولی بین متغیرهای مختلف است. تعریفی که از تحقیق ارائه شد در واقع تنها برآزنده تحقیق تبیینی است، زیرا تنها در این نوع از تحقیق است که مراحل کلی سه گانه سؤال، فرضیه و آزمون وجود دارد. در این تحقیق بر ساخته‌های حاصل از فرایند تجزیه و تحلیل مورد مطالعه قرار گرفت و یافته‌ها مورد ارزیابی قرار گرفتند و موارد مورد بحث، به تفسیر درآمدند.

سوالات پژوهش

- ۱) رویکردهای پرورش ظرفیت و توان شهروندی مبتنی بر آراء فیلسوفان تعلیم و تربیت معاصر کدامند؟
- ۲) شاخص‌های کارآمد تربیت شهروند جهانی در بستر نظام آموزش و پرورش کدامند؟
- ۳) راهکارهای مناسب تربیتی شهروندان آزاد جهان با الهام از آراء فیلسوفان تعلیم و تربیت معاصر کدامند؟

یافته‌های پژوهش

فیلسوفان و اندیشمندان معاصر حوزه تعلیم و تربیت، دیدگاه‌ها و رویکردهای مختلفی را برای پرورش ظرفیت و توان شهروندی مطرح کرده‌اند. مهمترین رویکردهای اجرایی در این زمینه عبارتند از:

۱- **رویکرد مدارس دموکراتیک:** مدارس دموکراتیک برای دانش‌آموزان، آموزگاران و جامعه متمرکزند. این مدارس، خود - باز تجدید بوده با دنیای بیرون از مدرسه و دنیای بزرگتر و رای آن رابطه‌ای دموکراتیک برقرار می‌کنند. در این رویکرد مدرسه در تربیت دموکراتیک و سیاسی - اجتماعی نقش اصلی دارد. در این رویکرد، آموزش مستقیم شهروندی و مدنی می‌تواند به افزایش دانش شهروندی دانش‌آموزان کمک فراوانی کند؛ اما لزوماً موجب بهسازی نگرش و رفتار شهروندی نمی‌شود. در این رویکرد مدارس باید فعالیت‌های تربیتی خود را بر دو هدف متمرکز کنند. مدارس باید محتوای آموزشی و مهارت‌هایی را به دانش‌آموزان بیاموزند که برای شرکت افراد در جامعه دموکراتیک ضروری است. و هم‌چنین مدارس باید در توسعه بیان‌های اخلاقی بچه‌ها، تلاش ویژه‌ای را به کار ببندند تا آنها بتوانند درک روشنی از زندگی، حقوق و مسئولیت‌های شهروندی داشته باشند. در مدارس دموکراتیک، دانش‌آموزان از هر گروه سنی با آموزگاران مشارکت داشته و در مدیریت مدارس همکاری دارند. انگیزه‌ی درونی، علاقه و توانایی تصمیم‌گیری گوهر سهولت فراگیری است. تنبیه و حتی تمجید نتیجه‌ی منفی دارند. در این رویکرد دانش‌آموزان باید دانش اخلاقی، رفتار اخلاقی و مراقبت اخلاقی را به طور متوازن بیاموزند.

۲- **رویکرد آموزش مستقیم سیاسی - مدنی:** فکر اصلی این رویکرد این است که تربیت شهروندی از طریق مطالعه دولت و سیاستها و خط‌مشی‌هایی امکان‌پذیر است که حکومت بر آن مبتنی است. مطابق این رویکرد، نظام آموزشی باید آموزش‌های مستقیم سیاسی - مدنی را در سه بعد دانش و مهارت و ارزش در عرصه شهروندی و مشارکت مدنی در دستور کار خود قرار داد. در این دیدگاه، مطالعه مفاهیم اساسی دنیای مدرنیته مانند جامعه‌شناسی سیاسی و تاریخ و ادبیات و حقوق مدنی را برای

همگان لازم می‌داند. تا از این رهگذر، شهروند حقوق و مسئولیت های خود را در جامعه مردم سالار درک کنند و در عین حال در توسعه چنین جامعه ای کوشا باشند. این رویکرد گرچه توجه به آموزش متوازن تربیت سیاسی - مدنی دارد. به طور خلاصه، رویکرد آموزش های مستقیم سیاسی - مدنی، شیوه ای است که در آن مهارتها و ویژگیهای شهروندی و مشارکت در کارهای جامعه به منظور فهم و حمایت از اصول و ارزش های مردم سالاری از طریق آموزش محتوای معینی صورت می‌پذیرد.

۳- **رویکرد مسائل اجتماعی با آسیب شناسی اجتماعی:** این رویکرد بیشتر بر مشکلات اجتماعی و شناخت آفات شهروندی متمرکز است و مباحثی همچون بی عدالتی، خشونت، جنایت، تبعیض، فقر، آلودگی، جنگ و ترور نمونه مسائلی است که در این رویکرد در کانون توجه قرار دارد. در واقع هدف اصلی این رویکرد افزایش آگاهی افراد از نابرابریهای مشکلات جامعه است تا در آنان حس مسئولیت را برای حل این مسائل برانگیزد. اجرای این رویکرد در عرصه عمل به توسعه آگاهیهای سیاسی شهروندان، آشنایی با نظام اجتماعی معاصر، آشنایی با امور اجتماعی (مالیات، درآمد، توسعه و...) افزایش توان تصمیم گیری و کمک به دانش آموزان در درک دیدگاه های دیگران از اهداف عمده تربیت سیاسی اجتماعی در این دیدگاه است.

۴- **رویکرد توسعه تدریجی مفاهیم اجتماعی-سیاسی (محیطهای توسعه یافته):** در این رویکرد بتدریج مفاهیم اساسی در تربیت سیاسی - اجتماعی در برنامه درسی از یک پایه به پایه دیگر توسعه و وسعت بیشتری می‌یابد. به طوری که ابتدا رابطه فرد با خانواده، سپس با گروه های اجتماعی و آن گاه با سازمان ها و مؤسسات و نهایتاً جامعه مطرح می‌شود. اگر شهروند در خانواده به جایگاه خود پی ببرد در شناخت رابطه و نقش خود در گروه های مختلف، موفقیت بیشتری کسب می‌کند و در واقع الگوی ارتباطی را، که در جامعه کوچک کسب کرده است بتدریج به جامعه بزرگتری تسریع خواهد داد.

۵- **رویکرد آموزش قانون-محور:** درک قوانین مربوط به شهر و شهروندی از ضروریات این نوع نگرش است. براساس این رویکرد، سواد قانونی برای شهروند خوب، ضروری به شمار می‌رود. از این رو فهم قانون و مراحل قضایی در این رویکرد مورد تأکید است. محکومیت‌ها باید برطبق ترتیبات قانونی و منحصر به مباشر، شریک و معاون جرم باشد و تا جرم در دادگاه صالح اثبات نشود و رأی مستدل و مستند به مواد قانونی معتبر (در صورت نبودن قانون) قطعی نگردیده اصل بر براءت متهم بوده و هرکس حق دارد در پناه قانون از امنیت لازم برخوردار باشد. این رویکرد عمدتاً در دهه های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ مطرح شد و توجه آن بر آموزش قانون اساسی در درجه اول و سپس آموزش و یادگیری قوانین حکومت ملی، ایالتی (استانی) و محلی است. برنامه های آموزشی در این رویکرد بر آموزش مراحل قانونی و مؤسساتی تأکید دارد که در این امر دخیل است و محورهای آموزشی شامل مواردی چون قوانین اساسی، نظام کیفری، ساختار اجرای قانون و فرایند استدلال قضای محاکم است. این رویکرد از یک سو با رویکرد آموزش های مستقیم سیاسی - مدنی به علت تأکید بر آموزش های حقوقی - قانونی شباهت دارد و از سوی دیگر با رویکرد آسیب شناسی اجتماعی نیز به علت آموزش مباحث حقوقی و کیفری مرتبط حقوقی و کیفری مرتبط با دانش آموزان و کاهش این جرائم، نزدیک است.

۶- رویکرد نظامدار تربیت شهروندی یا پژوهش تاریخی: در این رویکرد، آموزش شهروندی به معنای آموزش مستقیم حقوق و مسئولیت های شهروندی نیست؛ بلکه بیشتر بر پرورش ابعاد عقلانی و تفکر انتقادی دانش آموزان توجه می شود. در این رویکرد هدف اصلی بر این است که با آموزش روش های پیشرفته تحقیق و تواناسازی فکری، توان شهروندی را در آنان پرورش دهند. به زعم حامیان این دیدگاه، بین تاریخ و شهروندی رابطه محکمی وجود دارد؛ زیرا دانش آموزان در صورت یادگیری روش های تاریخی می توانند درک کنند که چگونه جوامع می توانند به صورت آزاد و کارآمد باقی بمانند. دانش آموزان باید کشمکش های دوران گذشته را بفهمند و در جستجوی پاسخ هایی برای آنها باشند. به طور خلاصه می توان گفت در رویکرد منظم تربیت شهروندی دانش آموزان می توانند از طریق دانش اندوزی و تفکر درباره تاریخ، فرصت های لازم را برای درک انسان و جامعه انسانی به دست آورند.

۷- رویکرد (دیدگاه) نوفضیلت گرای سیاسی: مکتبی جماعت گرایی با ارجاع به فضیلت گرایی دوران کلاسیک و بازسازی الگوی نوفضیلت گرای سیاسی بواقع در برابر آموزه لیبرالیسم و به طور خاص لیبرالیسم راولزی صف آرایی کرده است. مهمترین اندیشمندان این مکتب، افرادی چون السدیر مک ایتتایر مایکل ساندل، چارلز تیلور و تا حدی مایکل والدز هستند. در این دیدگاه، هویت انسان در قالب جماعات و به شکل هویت اجتماعی تصور می شود. این امر به نوبه خود تضمین کننده آزادی فردی و مسئولیت جمعی است. در این رویکرد، اهمیت اجتماعی- روانشناختی و اخلاقی وابستگی به جوامع و امور تأیید قرار داده می شود و بر این باور است که داورها و استدلالهای اخلاقی باید از متن سنتها و برداشتهای فرهنگی نشئت گیرد. از این رو، انسانیت فرد را در گروه شهروندی فعال در اداره کارهای جامعه تعریف کرده، و جماعت، پیش از فرد و لازمه آن تلقی می شود؛ بدین ترتیب شهروندی ماهیتی کل نگر دارد و تجاوز به آزادی تلقی نمی شود. برای شهروند، فضیلت مدنی عین آزادی و منبع اصلی افتخار و احترام است. فضیلت مدنی به زندگی فرد هدف و معنا می بخشد.

۸- الگوی شهروندی فراگیر سیاسی (شهروندی فراگیر لیبرالی): نماینده ی اصلی این الگو، جان راولز فیلسوف عدالتگرای معاصر است که دیدگاه های مبتنی بر تفسیر های فرد گرایانه لیبرالی تحت تأثیر اندیشه های فلاسفه عصر روشنگری است. در این دیدگاه اعتقاد بر این است که پیوند هایی را که جامعه را بهم می تنند، نمی توانند فرهنگی باشند؛ بلکه لازم است راه های ارتباطی سیاسی میان شهروندان را از طریق تعهد به آرمان همگانی شهروندی افزایش داد. دستیابی به واقعیت همگانی در شهروندی سیاسی به عنوان هدف تعقیب نمی شود، بلکه در مقابل به دنبال ایجاد ارتباطی میان شهروندان گوناگون است. راولز بر این باور است که "فلسفه به منزله جست و جوی حقیقت درباره نظم اخلاقی و متافیزیکی مستقل، نمی تواند بنیان و پایه علمی و مشترک درک و برداشتی سیاسی از عدالت در جامعه ای دموکراتیک فراهم آورد. در این الگو، اصول عدالت مستلزم این است که همه شهروندان به لحاظ اخلاقی دارای ارزش برابر باشند. عدالت در لیبرالیسم سیاسی والزی، به مثابه انصاف سیاسی- و نه مابعد الطبیعی- دانسته شده است.

۹- **الگوی فرد گرایانه و لیبرالی:** در این دیدگاه فرد و حقوق فردی در کانون توجه قرار دارد و اجتماعی بودن آدمی را تابعی از آن می داند. این دیدگاه پس از قرن شانزدهم و هفدهم در اروپا به عنوان لیبرالیسم مطرح شد. طبق این الگو، تأکید بر این است که هیچ گونه فشار و مانع سیاسی فکر و عقیده و بیان بر شهروند تحمیل نشود. فرد حق داشته باشد که هر طور می خواهد بیندیشد و هر دینی را که می خواهد اختیار کند؛ بگوید؛ بنویسد و در اداره شهر و تنظیم آن، مداخله و مشارکت کند. این الگو از قدیمی ترین الگوهای شهروندی است؛ در سطح نظری در نظریان جان لاک ریشه دارد؛ در دوره معاصر نیز با آرای هایک همخوانی دارد. مطابق این الگو شهروند به صورت فردی، تعهد دارد که با کار و پشتکار و هوش در جامعه آزاد رقابتی به فعالیت و خلاقیت و ابتکار بپردازد و پیوسته در اندیشه به حداکثر رساندن سود و مطلوبیت خود باشد. الگوی شهروندی فرد گرایانه لیبرالی، معتقد است دولت سالاری به بهانه تأمین طبقات محروم، شهروندان را وابسته و در نتیجه، بنده دولت و پرستنده قدرت می سازد. انگیزه کار و خلاقیت و ابتکار را از آن ها می گیرد و حقوق مدنی و سیاسی را آسیب پذیر و محدود می سازد.

۱۰- **الگوی جمهورگرایانه و نولیبرالی:** این الگو در نظریات روسو ریشه دارد و در قرن بیستم تحت تأثیر اعلامیه جهانی حقوق بشر، توسط هامپری مارشال نظریه پردازی کرده است. طبق الگوی مارشال، شهروندان همان گونه که مطابق حقوق مدنی از آزادی فردی و شخصی و بیان و اندیشه و عقیده و مالکیت برخوردارند و همانطور که براساس حقوق سیاسی، می توانند در عرصه قدرت سیاسی مشارکت کنند، از حقوق اجتماعی همچون آموزش، بهداشت و تأمین اجتماعی نیز برخوردارند. در این رویکرد، اجتماعی بودن آدمی به معنای قرار داشتن در بستر ساختار اجتماعی- تاریخی است. اجتماعی بودن، انتزاعی، صوری و فارغ از وضعیت اجتماعی تاریخی نیست؛ بلکه تنها در ساختار اجتماعی خاصی تحقق می یابد.

۱۱- **الگوی فمینیستی:** مطابق این الگو، که بویژه از جنبش های دهه ۶۰ به بعد قرن بیستم شیوع یافت، نظر بر این بود که شهروندی تا آن زمان، عمدتاً بر قامت مردان، ساخته شده و با معیارهای مردانه و فرهنگ مذکر تکوین یافته بود، باید دگرگون شود و زنان نباید شهروند درجه دوم به شمار آیند. اتفاق اساسی که در الگوی فمینیستی روی داده است در مجموع بر این باور است که نگاه به زنان همچون بردگان و مهاجران و به عنوان جنس دوم باید از جرگه شهروندی خارج شود.

۱۲- **الگوی شهروند جهانی:** آینده جهان وابسته به شهروندان جهانی است. این الگو از دهه ۹۰ قرن بیستم موضوعیت بیشتری یافت. تحولات منطقه ای شدن و جهانی شدن همگام با عصر اطلاعات و ارتباطات و یکپارچگی بازار های جهانی به توسعه این الگو دامن زده است. امروزه متأثر از روند جهانی شدن، مفهوم شهروندی نیز به موازات ظهور جامعه مدنی جهانی دچار تحول شده است. این روند زمینه شکل گیری «شهروند جهانی» را فراهم کرده است که از رهگذر آن اشخاص بدون در نظر گرفتن هویتشان به عنوان اتباع دولتهای خاص، فراتر از قلمرو سیاسی اجتماعات ملی، ایفای نقش می کنند. اگر شهروندان جهانی بیشتری در جهان فعال باشند، تمام چالش های مهمی که با آنها روبه رو هستیم، مثل فقر، تغییرات آب و هوا، نابرابری جنسیتی و... قابل حل می شوند. اینها درنهایت مشکلات جهانی هستند و تنها در صورتی حل می شوند که شهروندان جهانی خواستار راه حل های جهانی از رهبران شان باشند. در این دیدگاه، دیگر نمی توان فرد ساکن در سرزمین خاصی را طبق دیدگاه «دولت- ملت» و صرفاً به سبب

سکونت در منطقه ای خاص از حقوق شهروندی فراملی و جهانی محروم کرد. فرایند مجازی شدن، شبکه ای شدن و جهانی شدن و ظهور «جهانشهر» موجب تحول مفهوم شهروند شده است.

۱۳- الگوی شهروند زیست بومی: تاثیر زیانبار فعالیت های انسان بر جهان طبیعی نگرانی های عمومی فراوانی به همراه داشته، به طوریکه، منجر به شکل گیری نوع جدیدی از شهروندی تحت عنوان شهروندی بوم شناختی شده است. شهروندی بوم شناختی بر مسئولیت پذیری داوطلبانه و متعهدانه شهروندان در ارتباط با جهان طبیعی بنا شده است. این الگو در پایان قرن ۲۰ و آستانه قرن ۲۱ به شکل جدی مطرح شده است. این الگو، واکنشی در برابر تهدیدهایی همچون گرم شدن زمین، آتش سوزی جنگل ها، ورود مواد شیمیایی سمی در زنجیره های غذایی، آلودگی هوا و مانند آن بوده است. در دل این طرز نگاه، دغدغه های جستجو معنا، آشتی با خویشتن کیهانی و تبار زیست بومی و بازگشت به دامان مادر زمین نیز موج می زند. سرنوشت مشترک سیاره ای، انسان را با سایر اعضای خانواده آن به سازگاری فرا می خواند. خستگی از سیطره صنعت و کمی و مصرف مسرفانه، بار دیگر احساس نیاز به «وحدت انسانی و طبیعت» و احساس نیاز به زیبا شناسی را در انسان دامن می زند. در الگوی شهروند زیست بومی، مفهوم «دولت شهر» و «دولت- ملت» و حتی جهان سیاسی- اقتصادی به مفهوم سیاره ای و کیهانی، تحول و توسعه یافته است.

۱۴- دیدگاه انتقالی فرهنگی در تربیت اجتماعی: در این چهار چوب وظیفه مدرسه انتقال یا القای ارزش ها، سنتها و اخلاقیات به وسیله جامعه به دانش آموزان است. این دیدگاه یکی از قدیمی ترین دیدگاه های اجتماعی است. براساس این دیدگاه باید شاگردان را به مسیرهای مناسب اجتماع هدایت کرد. برخی از جامعه شناسان اعتقاد دارند مدارس باید شاگردان را با فرهنگ اجتماعی و نقش هایی که به عهده می گیرند آشنا سازند. امیل دور کیم آموزش و پرورش را جریان درونی کردن واقعیت های اجتماعی یا وجود اجتماعی می داند. حیات اجتماعی با تثبیت شدن درون فرد به مرجع اخلاقی تبدیل می شود. تاکلوت پارسونز نیز آموزش و پرورش را انتقال فرهنگی قلمداد می کند. وی معتقد است مدارس نقشی دوگانه دارند: یکی جامعه پذیر کردن که به درونی کردن نقش های اجتماعی افراد و انتظاراتی می پردازد که دیگران از فرد دارند و دیگری مؤسسه توزیع منبع انسانی که به تربیت نیروی انسانی می پردازد. احترام به حقوق دیگران، احترام به قانون و قانون مداری، مشارکت و فعالیت های اجتماعی، سیاسی، مذهبی، مسولیت پذیری اجتماعی و آزادی نمونه تربیت و انتقال فرهنگی افراد است.

۱۵- دیدگاه شهروندی دموکراتیک: دموکراسی شهری از مهمترین پدیده های جوامع امروزی است که پیوندی ناگسستنی با دموکراسی سیاسی دارد و بیانگر نوعی روابط جامعه خرد و روابط جامع کلان در شهر است. رابطه بین این پیوند در شهرها، فضاهای عمومی شهر در پارکها، بوستانها خیابانها و ... هستند که محل تعامل مردم با همدیگر و مردم با مدیریت شهری، و مؤلفه های کیفی رفتار و معیشت شهروندان است. دموکراسی شهری در همه ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و مناسبت بین این ابعاد در فضاهای عمومی شهرهای کشورهای توسعه یافته یک فرایند نظام یافته و در یک جامعه مدنی پیشرفته، به آخرین تعامل رسیده است. یکی از سخنگویان این دیدگاه جیمز شیور است که رویکرد "کاوشگری به شیوه محاکم قضایی" را در آموزش مطالعات اجتماعی تدوین کرد. در برداشت شیور از دموکراسی، مفهوم هایی از قبیل شأن و منزلت فرد، حاکمیت بر سرنوشت و

اجتماع جزء مفهوم های اساسی به شمار می آید؛ این امر بدان معنا نیست که هر فردی از ارزش و کرامت ذاتی برخوردار است باید با او با احترام برخورد کرد.

۱۶- دیدگاه تغییر اجتماعی: تغییرات اجتماعی عبارت است از پدیده های قابل رؤیت و قابل بررسی در مدت زمانی کوتاه به صورتی که هر شخص معمولی نیز در طول زندگی خود یا در طول دوره کوتاهی از زندگی اش می تواند یک تغییر را شخصاً تعقیب نماید، نتیجه قطعی اش را ببیند یا نتیجه موقتی آن را در یابد. مفهوم تغییر اجتماعی با مفهوم دگرگونی اجتماعی متفاوت است. زیرا تحول یا دگرگونی اجتماعی در طول یک دوره طولانی، طی یک یا شاید چند نسل در یک جامعه رخ می دهد و بررسی یک تحول اجتماعی، نیازمند نوعی بررسی تاریخی جامعه است. این رویکرد وجود نابسامانیهای جامعه را تصدیق، و بر نقش مدرسه در رفع این نابسامانیها تأکید می کند. مریانی از قبیل آلفرد ال شولر و فرد نیومن رویکردهایی را مطرح ساخته اند که به دانش آموزان فرصت می دهد نه تنها مسائل را بررسی کنند، بلکه در جریان تغییر اجتماعی در سطح مدرسه و جامعه محلی شوند.

الگوی کار آمد تربیت شهروند جهانی در بستر نظام آموزش و پرورش

الگوی کار آمد تربیت شهروند جهانی در بستر آموزش و پرورش، متناسب با حیطه های سه گانه شناختی، نگرشی و مهارتی، بر مبنای مؤلفه ها، نمود ها، مشخصه ها و راهکارها، در جداول ۱ تا ۳ خلاصه شده است. در این الگو ابتدا به مؤلفه های تربیت شهروند جهانی متناسب با هر یک از حوزه های سه گانه شناختی، نگرشی و مهارتی پرداخته و به اقتضای هر یک از این مؤلفه ها، نمودهای شاخص ارائه شده است. و برای روشن شدن ماهیت نمودها، به مشخصه ها پرداخته و راهکارهایی ارائه شده است. این الگو با الگوی تربیت شهروند ملی تفاوت هایی دارد که ناشی از تفاوت اهداف بنیادین شهروند جهانی با شهروند ملی است. هدف اساسی تربیت شهروند ملی، انتقال مجموعه ای از دانش ها، ارزش ها و جهت گیری های رفتاری ضروری برای دوام و رفاه جامعه، به شهروندان جامعه است. از این رو، ناظر به برخورداری از حقوق، وظایف و تکالیف، مسئولیت ها، تعهدات اخلاقی، سیاسی و اجتماعی به همراه احساس تعلق، عضویت و هویت اجتماعی فراگیر برای مشارکت جدی در جامعه توأم با بهره مندی یکسان و عادلانه از امتیازات، مزایا و منافع جامعه فارغ از تعلقات قومی، نژادی، طبقاتی، اقتصادی، فرهنگی و مذهبی می باشد و تأکید عمده در آن، این است که نوجوانان و جوانان را به عنوان شهروندان به گونه ای تربیت کند که در جامعه مشارکت کنند، با حقوق خود آشنا شوند و به وظایف خود در قبال جامعه عمل کنند. در حالی که در شهروند جهانی، هدف، تربیت شهروندانی است که دارای نگرش جهانی و دموکراتیک بوده و از حس ایفای نقش در یک جهان وسیعتر برخوردار باشند، به تفاوتها و گوناگونی ها احترام گذاشته

و مسئولیت پذیر نسبت به آینده جهان از ابعاد مختلف باشند و در نهایت، شهروندان، وابستگی و به هم پیوستگی همه مردم جهان به یکدیگر را درک کرده، خود را مسئول می دانند تا متعهدانه و بشر دوستانه براساس ملاحظات محلی، ملی و جهانی در مقابل چالش های جهان پیرامون همچون: ظلم ها، بی عدالتی ها و نابرابری های اجتماعی بایستند. در جدول ذیل به ارائه الگوی تربیت شهروندی متناسب در سه حیطه ذکر شده پرداخته می شود.

جدول ۱: الگوی تربیت شهروند جهانی در نظام آموزش و پرورش متناسب با حیطه شناختی، نگرشی و مهارتی

راهکارها	مشخصه‌ها	نمودها	مؤلفه‌ها
حیطه شناختی			
<ul style="list-style-type: none"> - برقراری تعامل با سازمان شهرداری محله و شهر - تشکیل گروه محیطبان مدرسه - تبیین اهمیت فضای سبز برای هم مدرسه ای ها از طریق تعامل چهره و بروشورهای آگاهی بخش 	<ul style="list-style-type: none"> ناظر و حافظ فضای سبز و امکانات محیطی و فیزیکی مدرسه 	<ul style="list-style-type: none"> شهردار مدرسه (پارکبان مدرسه) 	<ul style="list-style-type: none"> آموزش درباره محیط زیست
<ul style="list-style-type: none"> - برقراری تعامل با مراکز بهداشتی شهر - ایجاد گروه بهداشت یاران مدرسه - آشنا سازی دانش آموزان با بیماریها و عوامل ایجاد بیماریها و معرفی دانش آموزان دچار بیماری به مراکز درمانی 	<ul style="list-style-type: none"> ناظر بر سلامت دانش آموزان و توسعه دهنده فرهنگ سلامت در مدرسه 	<ul style="list-style-type: none"> پزشک مدرسه (بهداشت یار مدرسه) 	<ul style="list-style-type: none"> سواد سلامت
<ul style="list-style-type: none"> - شناخت فرهنگ های موجود بین دانش آموزان از طریق تعامل چهره به چهره با دانش آموزان و عوامل مدرسه - مطالعه و بررسی منابع علمی برای شناخت هرچه بیشتر فرهنگ ها و تشویق فعالیت های بین فرهنگی در میان دانش آموزان - برگزاری جلسات هم اندیشی گروهی و فردی در راستای معرفی فرهنگ های مختلف به منظور ایجاد فضای احترام به چند فرهنگی در مدرسه 	<ul style="list-style-type: none"> محقق و پژوهشگر در زمینه مطالعه فرهنگ های مختلف موجود بین دانش آموزان. مسئول برقراری ارتباط و حل تعارضات بین فرهنگ های مختلف دانش آموزان 	<ul style="list-style-type: none"> جامعه شناس مدرسه 	<ul style="list-style-type: none"> آموزش چند فرهنگی

<p>- مطالعه سند چشم انداز آموزشی پرورشی بیست ساله نظام تعلیم و تربیت</p> <p>- مطالعه اسناد موجود در مدرسه</p> <p>- استفاده از نظرات و تجارب معلمان و دانش آموزان</p> <p>- شناخت وضعیت موجود و برنامه ریزی برای رسیدن به وضعیت مطلوب براساس قابلیت ها و رفع کاستی ها</p>	<p>منتقد و برنامه ریز در رابطه با وضعیت کنونی و مطلوب مدرسه در راستای تحقق اهداف مندرج در سند چشم انداز آموزشی و پرورشی</p>	<p>برنامه ریز مدرسه</p>	<p>آموزش برای توسعه پایدار</p>
<p>- مطالعه و شناسایی امکانات فناورانه جدید و مفید برای محیط مدرسه</p> <p>- رایزنی با عوامل آموزشگاه برای تأمین امکانات فناورانه</p> <p>- آموزش نحوه استفاده درست از امکانات فناورانه مدرسه</p> <p>زمینه سازی برای کاربردی امکانات فناورانه در کلاس های درس و فضای مدرسه</p>	<p>مسئول تأمین، گسترش و آموزش امکانات فناورانه اطلاعات و ارتباطات موجود در جهان به منظور تسریع و بهبود کیفیت آموزش</p>	<p>فناور مدرسه</p>	<p>آموزش الکترونیک</p>
<p>- آموزش شیوه های تفکر، حل مسئله و مهارت های پژوهش به دانش آموزان متناسب با سن تقویمی و رشد شناختی آنها</p> <p>- ایجاد کانون دانش آموزان مستعد و خلاق به منظور بهره گیری از توانمندیهای علمی و خلاقانه این گروه در کمک به دانش آموزان دارای مسائل و مشکلات آموزشی و پرورشی</p> <p>- فراهم کردن زمینه های تفکر خلاق بین دانش آموزان از طریق ایجاد تغییر در شیوه های تدریس، فضای فیزیکی کلاس درس و غیره</p>	<p>مسئول حل مسائل و مشکلات دانش آموزان از طریق موشکافی ابعاد مسئله و پاسخگویی به سؤالات طرح شده با تلاش در جهت برانگیختن قوه تفکر و تعقل دانش آموزان</p>	<p>معلم مدرسه</p>	<p>آموزش فلسفه</p>
<p>- برقراری تعامل با سازمان های قضایی کشور</p>	<p>مسئول نظارت بر</p>		

<p>آموزش حقوق بشر</p> <p>قاضی مدرسه</p>	<p>مسائل حقوقی و مدنی</p> <p>دانش آموزان در مدرسه و مجری آموزش و اجرای عدالت در مواد مذکور</p>	<p>- مطالعه و شناخت حقوق متقابل دانش آموزان و معلمان نسبت به یکدیگر و نسبت به اعضای جامعه</p> <p>- آموزش حقوق شهروندی به دانش آموزان</p> <p>- اجرای عدالت در موارد مورد اختلاف و احقاق حقوق صاحبان حق</p>
<p>یادگیری مادام العمر</p> <p>کتابدار مدرسه</p>	<p>مسئول توسعه و ترویج فرهنگ کتابخوانی در مدرسه</p>	<p>- برقراری تعامل با کتابخانه های شهر</p> <p>- ایجاد گروه کتابیاران مدرسه</p> <p>- شناسایی کتاب های مورد نیاز دانش آموزان و تأمین آنها</p> <p>- آموزش نحوه مطالعه - صحیح و ترغیب دانش آموزان به مطالعه و انس بیشتر با کتاب از طریق برگزاری مسابقات علمی و فرهنگی</p>

حیطه نگرشی

<p>آموزش صلح</p> <p>پلیس مدرسه</p>	<p>مسئول تأمین امنیت جانی و مالی دانش آموزان در محیط مدرسه و مجری آموزش فرهنگ نظم و امنیت در دانش آموزان</p>	<p>- برقراری تعامل با سازمان های نظامی و انتظامی</p> <p>- ایجاد گروه همیار پلیس</p> <p>- برگزاری جلسات آموزشی برای دانش آموزان با دعوت از نماینده نیروهای نظامی و انتظامی</p> <p>- آشنا سازی دانش آموزان با مجازات های قانونی مبارزه با افراد قانون شکن</p> <p>- ترغیب دانش آموزان به تفحص درباره اقدامات احتمالی به منظور اجتناب از اختلاف و خشونت</p>
<p>تربیت بدنی</p> <p>روحانی مدرسه</p>	<p>مسئول آموزش، گسترش و تعمیق</p>	<p>- برقراری تعامل با ارگان های فرهنگی - مذهبی و روحانیون شهر</p> <p>- تدارک گفتمان ها و جلسات پرسش و پاسخ</p>

<p>دینی با دعوت از روحانیون</p> <p>- آشنا سازی دانش آموزان با ابعاد و برکات مذهب و تأثیر آن بر زندگی فردی و اجتماعی</p>	<p>بینش و فرهنگ دینی</p> <p>در دانش آموزان</p>		
<p>- برقراری تعامل با سازمان های قضایی کشور</p> <p>- مطالعه و شناخت حقوق متقابل دانش آموزان و معلمان نسبت به یکدیگر و نسبت به اعضای جامعه</p> <p>- آموزش حقوق شهروندی به دانش آموزان</p> <p>- اجرای عدالت در موارد مورد اختلاف و احقاق حقوق صاحبان حق</p> <p>- آموزش احترام به روش های زندگی، عقاید و نظرات گوناگون، به شرطی که آن روش ها، عقاید و آرا مبتنی بر رعایت حقوق دیگران باشند.</p>	<p>مسئول نظارت بر مسائل حقوقی و مدنی دانش آموزان در مدرسه و مجری آموزش و اجرای عدالت در موارد مذکور</p>	<p>قاضی</p> <p>مدرسه</p>	<p>عدالت و برابری اجتماعی</p>
<p>- شرکت دادن دانش آموزان و والدین آنها درس مباحث مربوط به مسائل راهبردی مدرسه</p> <p>- تشویق و ترغیب دانش آموزان به مشارکت در امور مدرسه و استفاده از سازوکارهای انگیزشی در این زمینه</p> <p>- مسئولیت دهی به دانش آموزان در امور مرتبط با مدرسه و دادن اختیار متناسب با آن</p> <p>- استفاده از نظرات آنها در برنامه های آموزشی مدرسه</p>	<p>مسئول حل مسائل و مشکلات امور مدرسه متناسب با علایق و شایستگی های خود</p>	<p>مدیر</p> <p>مدرسه</p>	<p>مسئولیت پذیری اجتماعی</p>
<p>- برقراری تعامل با روان شناسان و مراکز مشاوره شهر</p> <p>- شناسایی مشکلات مبتلی به دانش آموزان از طریق جلسات مشاوره فردی و گروهی</p>	<p>پژوهشگر و مسئول آرامش روانی و ذهنی دانش آموزان در</p>	<p>روانشناس</p> <p>مدرسه</p>	<p>خود آگاهی</p>

- ارجاع دانش آموزان مشکل دار به مراکز مشاوره ای - تدارک جلسات و کارگاه های آموزش مهارت های روانی و فردی لازم برای زندگی شهروندی	مدرسه		
حیطه مهارتی			
- برقراری تعامل با روانشناسان و مراکز مشاوره شهر - شناسایی مشکلات مبتلا به دانش آموزان از طریق جلسات مشاوره فردی و گروهی - ارجاع دانش آموزان مشکل دار به مراکز مشاوره های - تدارک جلسات و کارگاه های آموزش مهارت های روانی و ذهنی لازم برای زندگی شهروندی	پژوهشگر و مسئول تأمین آرامش روانی و ذهنی دانش آموزان در مدرسه	مشاور/ روانشناس مدرسه	مهارت ارتباطی حل مسئله تفکر انتقادی مهارت همدلی تصمیم گیری تفکر خلاق مقابله با استرس

در ترسیم الگوی تربیت شهروندی باید به این نکته دقت نمود که آموزش و پرورش شهروندی منجر به تحکیم نظام ارزشی مهارت های شهروندی در جهت استحکام دموکراسی و مشارکت پایدار شهروندان می گردد. این مؤلفه ضامن بقاء و تداوم حیات اجتماعی و میزان توسعه همه جانبه جوامع صنعتی و رو به پیشرفت است. چنین تربیتی از همان آغاز طفولیت نوعی اعتماد به نفس و رفتارهای مسئولانه را از نظر اجتماعی و اخلاقی به وجود می آورد؛ نقش دیگر این مؤلفه، ارائه اطلاعات و آگاهی در مورد مسایل عمومی جامعه در ابعاد محلی، ملی و جهانی است. چنین آموزه هایی واجد فضایل و اخلاق مدنی و جمعی است و جستجویی برای مساوات طلبی است. در واقع آموزش شهروندمداری در یک جامعه باعث این شده که تمام اعضای جامعه از حس شهروندی مثبتی به صورت ملی برخوردار باشند و ضمن برخورداری از احترام ملی، از حقوق مشخص اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و فرهنگی بهره مند گردند.

نظام آموزش و پرورش هر جامعه از آن رو شکل یافته و قوام گرفته است که شهروندانی مؤثر و مطلوب را متناسب با نیازها و ارزش‌های اجتماعی، تربیت و تحویل جامعه کند. لذا تربیت شهروندی یکی از مهم‌ترین مسائل و دل‌مشغولی‌های نظام‌های آموزش و پرورش در کشورهای مختلف جهان است. تا افراد یک جامعه دانش، نگرش‌ها و مهارت‌های خاص را در خود رشد ندهند، نمی‌توانند وضعی توأم با موفقیت و رضایت خاطر در زندگی اجتماعی برای خود به وجود آورند. با عنایت به مقتضیات عصر کنونی و جامعه جهانی، دانش‌آموزان صرفاً موجودی منحصر در خانواده، جامعه و کشور خود نیستند، بلکه بخش جدایی‌ناپذیر از جهان بشری و مناسبات جهانی به حساب می‌آیند.

براساس یافته‌های تحقیق محتوا، مفهوم شهروندی در سطح محلی و ملی دارای وجوه مشترک با مهارت‌های زندگی در جامعه جهانی است. بنابراین گرچه مفاهیم شهر و شهروندی از یک جهت پدیده‌ای عینی - تجربی و مکان‌مد و زمان‌مند و نهایتاً امری اجتماعی است، اما از جهتی دیگر مقوله‌ی انسانی - فلسفی است. زیرا این دو مفهوم حامل ابعاد انسان‌شناختی و فلسفی است و غالب مکاتب فلسفی معاصر و طراحان نظام تربیت شهروندی، به این جنبه مهم از مقوله شهروند آزاد جهانی در آراء و آثار خود نظر دوخته‌اند و مولفه‌های متشکله نظری و فلسفی آن را در عرصه مدیریت نظام مند شهری و تربیت حرفه‌ای شهروندان تبیین نموده‌اند. آموزش و تربیت شهروندی سرمایه‌گذاری برای آینده کشور در تمامی ابعاد است، یافته‌های تحقیق در زمینه‌ی چگونگی تبیین و تحلیل مضمون الگوی آرمان تربیتی شهروندان آزاد جهان از منظر فیلسوفان تعلیم و تربیت معاصر، از نظر هدف با تحقیقات مولر (۲۰۱۰)، آرتیلز و دایسون (۲۰۱۳) و عیوضی و باب‌گوره (۱۳۹۳) همخوانی دارد.

در مقام تبیین شاخص‌ها و اولویتهای هر یک از مولفه‌ها و مراحل تهیه الگوی فلسفی تربیت شهروند آزاد جهانی نتایج تحلیل توصیفی حاکی است فرهنگ نقد‌پذیری و مشاوره آزاد در جامعه و افزایش آستانه تحریک شهروندان در مراودات اجتماعی، احترام به هنجارهای اجتماعی، پاسخگو بودن نهادهای دولتی و اعمال و نظارت نسبت به رفتار شهروندان و قانون‌محور بودن فعالیت‌های دستگاه‌های اجرایی، تلاش رسانه‌های گروهی، نهاد خانواده، آموزش و پرورش، نخبگان، اصحاب سیاست و ائمه جمعه و جماعت از محورهای مهم در حوزه حقوق شهروندی است. در حقیقت در حوزه تربیت شهروندی دو رویکرد غالب وجود دارد، این دو رویکرد عبارتند از:

- رویکرد محافظه‌کار که تأکید بر اجتماعی‌کردن و آماده‌کردن افراد برای خدمت به دولت ملی و تابعیت مؤثر دارد.
- رویکرد پیشرفت‌گرا، تدارک‌دهنده فرصت‌هایی برای فراگیران جهت درگیری و مشارکت فعال به عنوان عضوی از مدرسه و اجتماع بزرگتر است (قلتاش، ۱۳۹۱)

بنابراین شهروندی فعال به مشارکت فعال در جامعه و اعمال حقوق شهری، سیاسی، اجتماعی از طریق مشارکت فعال در سطح ملی و بین‌المللی دلالت دارد که این خود در برگیرنده دانش و فهم از حقوق ساختارها و رویه‌های دموکراتیک و اجتناب از اعمال تبعیض‌آمیز برای افراد و گروه‌های خاص است. عوامل سواد فناوری، تفکر هدفمند، مشارکت اجتماعی و آگاهی جهانی از دیگر

عوامل تاثیرگذار در شکل گیری شخصیت شهروندی هستند. به زعم جامعه شناسان، شهرنشینان زمانی که به حقوق و قوانین اجتماعی احترام می گذارند و به مسئولیت های خویش در قبال شهروندان عمل می نمایند به شهروند ارتقا می یابند. مفهوم "شهروند" نه تنها در جامعه ی شهری بلکه در جامعه ی استانی و کشوری هم قابل تعریف است و یافته های تحقیق در زمینه الگوی مطلوب برنامه ی درسی کارآفرینی از نظر روش تدریس با تحقیقات واترز (۲۰۱۶)، مولر (۲۰۱۰)، اسدی و احمدی (۱۳۹۶)، قائدی (۱۳۸۵) همخوانی دارد.

در مجموع می توان گفت شهروندی مجموعه ی گسترده ای از فعالیت های فردی و اجتماعی است. فعالیت هایی که اگرچه فردی باشند اما برآیند آن، به پیشرفت وضعیت اجتماعی کمک خواهد کرد. شهروندی، از جمله مفاهیم نو پدید است که به طور ویژه ای به برابری و عدالت توجه دارد و در نظریات اجتماعی، سیاسی و حقوقی جایگاه ویژه ای پیدا کرده است. مقوله «شهروندی» وقتی تحقق می یابد که همه افراد یک جامعه از کلیه حقوق مدنی و سیاسی برخوردار باشند و همچنین به فرصت های مورد نظر زندگی از حیث اقتصادی و اجتماعی دسترسی آسان داشته باشند. ضمن اینکه شهروندان به عنوان اعضای یک جامعه در حوزه های مختلف مشارکت دارند و در برابر حقوقی که دارند، مسئولیت هایی را نیز در راستای اداره بهتر جامعه و ایجاد نظم بر عهده می گیرند، و شناخت این حقوق و تکالیف نقش مؤثری در ارتقای شهروندی و ایجاد جامعه ای بر اساس نظم و عدالت دارد. براین اساس آموزش حقوق شهروندی، همانا نهادینه سازی نظامی از حق ها و تکلیف های متناسب با شهروندی مبتنی بر کرامت و ارزش والای انسانی است. بسیاری از معضلات مربوط به نظام های شهری ایران، از عوامل غیردموکراتیکی مانند عدم مشارکت پذیری، فقدان همه شمولی، نقض حقوق شهروندی و عدالت شهری، قوانین فاقد مشروعیت، عدم انعطاف پذیری نشئت می گیرد. لذا با تمهید معیارهایی همچون کثرت عقاید، انعطاف پذیری، شکل گیری جوامع مردم نهاد، آموزش و گفتمان شهروندی، تنوع پذیری و رعایت حقوق شهروندان به شهر، می توان این فرایندها را دموکراتیزه و در نتیجه بستری برای بروز شکلی جامع از برنامه ریزی و طراحی شهری دموکراتیک فراهم کرد؛ فرایندی که با ایجاد فرصت های برابر منجر به تقویت دموکراسی می شود و به جایگاه مردم، نه به عنوان مشکل بلکه به مثابه راه حل، ارجح می نهد. لذا آنها بایستی یاد بگیرند که به نحوی مؤثر در بهبود امور جوامع محلی، ملی و جهانی مشارکت کنند. برای نیل به این هدف، مدارس باید به عنوان دستگاه های عظیم آموزشی و پرورشی، برنامه ریزی های جامع و راهبردی در این زمینه تدارک ببینند. بنابراین، تربیت شهروندانی جهانی به منظور زندگی مسالمت آمیز و موفقیت آمیز در جامعه محلی، ملی و جهانی، از اهداف اصلی شکل گیری و توسعه مدارس در قرن حاضر به حساب می آید. در راستای احراز ویژگی های شهروند جهانی، آموزش و پرورش باید مکانی برای تدارک فرصت های لازم و مناسب برای تجربه عرصه های مختلف زندگی باشند تا از این رهگذر، زمینه های لازم برای برطرف کردن نیازهای دانش آموزان در سطوح محلی، ملی و جهانی فراهم آید. آموزش و پرورش بایستی خود زندگی و نمونه و الگویی کوچک از جامعه باشند. در این نوشتار کوشش شد تا با تبیین نقش آموزش و پرورش در تربیت شهروند جهانی به بررسی مؤلفه های شاخص در تربیت شهروند جهانی در ابعاد سه گانه شناختی، نگرشی و مهارتی و نمود های شاخص متناسب برای هر یک از این مؤلفه ها پرداخته شود و در نهایت، الگوی کارآمد تربیت شهروند جهانی در بستر نظام آموزش و متناسب با حیطه های سه گانه شناختی، نگرشی و مهارتی ارائه گردد.

در این بحث با توجه با نتایج تحقیق و موانع پیش‌رو در تحلیل الگوی آرمان تربیتی شهروندان آزاد جهان در سایه آراء فلاسفه تعلیم و تربیت معاصر راهکارهایی پیشنهاد می‌گردد:

- مطابق یافته‌های تحقیق، که طراحی الگوی آرمان تربیتی شهروندان آزاد جهانی، به عنوان مقوله محوری، در نظر گرفته شد، پیشنهاد می‌شود که تصمیم‌گیران آموزش و پرورش و مدیران شهری، چشم‌اندازهای کوتاه و بلند مدت را مشخص کنند.
- بر اساس یافته‌های تحقیق، سیاست‌ها و اهداف محیطی و ارتباط با نظام نوین جهانی به عنوان متغیرهای تاثیرگذار، شناسایی شدند، بر این اساس پیشنهاد می‌شود که بودجه کافی به فعالیت‌های علمی و پژوهشی در این باره اختصاص یابد و دولت از حداکثر ظرفیت و پتانسیل شهروندان، حمایت‌های قانونی به عمل آورد و در مراکز تعلیم و تربیت و مدارس استفاده نماید.
- بر اساس یافته‌های تحقیق، فرهیختگان و سیاستگذارهای جوامع گوناگون در پی اتخاذ برنامه‌هایی هستند که بتواند شهروندانی آگاه، دارای حس مسئولیت و همکاری تربیت کند. آنها با تدوین برنامه‌های آموزشی که معمولا از مدارس و در سنین کودکی شروع می‌شود، در تلاشند جامعه‌ای داشته باشند که مردمانش برپایه اصل همکاری و همیاری زندگی کنند و در نهایت جامعه‌شان را ارتقا دهند. بنابراین همگان باید از این فرصت به خوبی بهره ببرند. بر این اساس پیشنهاد می‌شود که توان علمی مربیان، با آموزش‌های مستمر و حین خدمت در حوزه تربیت شهروند جهانی ارتقا یابد و مربیان و کارشناسان در تولید محتوای آموزش شهروند مدرن تربیت یافته مشارکت داده شوند.
- براساس یافته‌های تحقیق، حمایت مدیران مدارس و ساختار مراکز آموزشی به عنوان بستر پدیده، در نظر گرفته شد؛ بر این اساس پیشنهاد می‌شود که با برگزاری نشست‌های تخصصی و سمینارهای آموزشی، پیامدهای مثبت آموزش اصول شهروندی برای مدیران تبیین شود.
- ضروری است اهداف تعلیم و تربیت شهروند آزاد جهانی برای دست اندرکاران، مدرسان و فراگیران، واضح و شفاف باشد و از بیان اهداف کلی و غیر قابل دستیابی پرهیز گردد.
- محتوای آموزش شهروندی باید به گونه‌ای طراحی گردد که شناخت افراد را از مسائل اطراف خود بالا برد و قدرت تحلیل ریسک و شناخت فرصت‌ها را در آنها بیش از پیش گسترش دهد.
- بر اساس مطالعات انجام گرفته در بخش نظری تحقیق، روش‌های سنتی آموزش (روش‌های منفعل)، شیوه‌ی مناسبی برای آموزش شهروندمداری حرفه‌ای و تقویت روحیه دموکراتیک شهری نیست. بنابراین، توجه ویژه به شیوه‌های جدید (روش‌های فعال) از قبیل روش‌های پروژه، شیوه‌های تجربی و عملی، حل مسئله و ایفای نقش، در تحلیل الگوهای مزبور باید مدنظر قرار گیرد.

منابع

۱. دانایی‌فرد، حسن؛ خائف‌الهی، احمد؛ حسینی، سیدمجتبی. ۱۳۹۰. تأملی بر ارتقاء تسهیم دانش در پرتو رفتارهای مدیریت عمومی، ۴ (۱۴)، ۶۳-۸۴.
۲. دیلم‌صالحی، بهروز. ۱۳۹۳. تحول مفهوم شهروندی در فرایند جهانی شدن؛ مجله علوم سیاسی دانشگاه آزاد کرج، ۲۹ (۲۴).
۳. شبیانی، ملیحه. ۱۳۸۴. شهروندی و مشارکت در نظام جامع رفاه.
۴. فتحی‌واجارگاه، کورش و واحد چوکده، سکینه (۱۳۸۵)، "شناسایی آسیب‌های تربیت شهروندی در برنامه درسی پنهان: نظام آموزش متوسطه نظری از دیدگاه معلمان زن شهر تهران و ارایه راهکارهایی برای بهبود وضعیت آن"، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، سال پنجم، شماره ۱۷، ۹۳-۱۳۲.
۵. قائدی، یحیی. ۱۳۸۵. تربیت شهروند آینده، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، ۵ (۱۷).
۶. قلتاش، عباس. ۱۳۹۱. مبانی اجتماعی و سیاسی تعلیم و تربیت: بررسی تطبیقی رویکردها و دیدگاه‌های تربیت شهروندی، پژوهش‌نامه تعلیم و تربیت، دانشگاه فردوسی مشهد، ۲، ۶۴-۴۷.
۷. معینی‌علمداری، جهانگیر؛ ماخانی، سعید. ۱۳۹۷. جان‌رالز: گذار از نظریه‌ای در باب عدالت به لیبرالیسم سیاسی، مجله سیاست، ۴۸ (۲)، ۴۷۱-۴۵۳.
۸. هاشمی، سید احمد. ۱۳۸۹. «بررسی میزان استفاده از مفهوم‌های تربیت شهروندی در محتوای کتاب‌های تعلیمات اجتماعی دوره راهنمایی، فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار، ۴، ص ۱۴۱».
۹. یکدل‌نشتیفانی، محمود و مهدی طالب‌پور، ۱۳۹۷. شایستگی مدیران و رفتار شهروندی سازمانی کارکنان از طریق نقش تعدیل‌گر اخلاق حرفه‌ای (مطالعه موردی آموزش و پرورش استان خراسان رضوی، اولین همایش ملی مدیریت و اقتصاد با رویکرد اقتصاد مقاومتی، مشهد، دانشگاه پیام نور خراسان رضوی،
۱۰. نیک‌گهر. عبدالحسین. ۱۳۸۸. مبانی جامعه‌شناسی، تهران: انتشارات توتیا.